

ژان شوالیه آلن گِبران

فرهنگ نمادها

اساطیر، رؤیاها، ایماء و اشاره، اشکال و قوالب،
چهره‌ها، رنگ‌ها، اعداد

جلد چهارم

از حرف « ش » تا « گ »

ترجمه و تحقیق

سودابه فضایی



انتشارات میمون

ش

شاخ (CORNE /corn)

شاخ به مفهوم رفعت و بلندی است. مفهوم رفعت به نحوی به خاطر حیوانهای شاخدار برای شاخ منظور شده است. این نمادگرایی وابسته به آپولون - کارنوس و دیونوسوس است؛ اسکندر کبیر شاخ بر سر می‌گذاشت زیرا تمایل داشت علامتی مشابه آمون یا قوچ داشته باشد، که در کتاب مردگان مصر موسوم به خدای دو شاخ است. جیه‌یوی مخوف را با سر شاخدارش باز می‌یابیم، که هوانگ‌دی امکان پیروزی بر او را نداشت مگر اینکه در یکی از شاخهایش بدمد. هوانگ‌دی پرچم رقیب را در دست گرفت در حالی که تصویر شاخدار او بر آن تصویر شده بود و بدین ترتیب بر قدرت خود افزود. جنگجویان کشورهای

مختلف (بخصوص غالیایی‌ها) خودهای شاخدار برسر می‌گذاشتند. قدرت شاخها به هیچ‌وجه قدرتی موقت نبود.

گنوم می‌گوید شاخهای قوچ ماهیتی خورشیدی دارد و شاخهای گاو ماهیتی قمری. این باور از آنجا ناشی است که سومریان و هندوان میان گاو و ماه ارتباط قائل بودند. دستنوشته‌ی کامبوجی قمر را به صورت یک شاخ کامل تصویر می‌کند (هلال را ببینید) و بر شاخدار بودن گاو شیوا تاکید می‌کند. *مهابهاراته* از شاخ شیوا سخن می‌گوید، زیرا شیوا با مرکب خود *ناندین* همذات می‌شود (Bhab, GRAL, GUES).

شاخ گاو علامت مادر بزرگ مقدس بود. در هر کجا شاخ دیده شود، چه در آیینهای نوسنگی، چه در شمایلنگاریها چه بر بتهایی به شکل گاو، علامت حضور خدایبانوی بزرگ *حاصلخیزی* است (ELIT, 146) منقول از: O. Menghin). شاخها یاد آور نیروی حیاتی، خلقت دوره‌ی زندگی زوال نیافتنی و باروری هستند. از این رو شاخها نماد سلطنت و کردار نیک در اقتدار سلطنتی است. به تقلید از دیونوسوس، اسکندر کبیر شاخ بر سر می‌گذاشت تا قدرت و نبوغ خود را نشان دهد، و بدین ترتیب شاخ او را به فطرتی الهی منتسب، و سعادت امپراطوری‌اش را تضمین می‌کرد.

هر چند شاخ اغلب از نمادگرایی قمری بر می‌آید، و بنابراین مونث است (شاخ گاو) اما در عین حال وقتی با شعاع خورشید همذات می‌شود نمادی مذکر است (شاخ قوچ) از این رو است که شاخ گاه به عنوان نماد نیروی نرینه ملحوظ می‌شود، و این وجه نماد شامل اسکندر کبیر نیز می‌شده است.